

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران
دوره ۱۱، شماره پیاپی ۲۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۱۴۸-۱۲۳

تحلیل جایگاه درخت کنار در فرهنگ، ادبیات و باورهای عامیانه فارس با تکیه بر شهرستان جهرم

فاطمه تسلیم جهرمی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۹

چکیده

در ایران درخت کنار بیشتر در مناطق جنوب می‌روید و ریشه‌هایی سخت و زمین‌گیر و تنه‌ای استوار دارد. برگ آن ارزش اقتصادی دارد و میوه‌اش نیز خوراکی است. در فارس کنار را درختی مقدس می‌دانند و معمولاً این درخت را در جوار امامزادگان، آتشکده‌ها، قبرستان‌ها و سایر اماکن مذهبی و دینی می‌توان مشاهده کرد. حضور طولانی این درخت در اساطیر و ادیان، نقش‌های مختلفی را به آن در فرهنگ عامه داده و سبب به‌وجود آمدن برخی باورها نظیر تقدس، جاودانگی، تناوری، بقا و دیرسالی، ریشه‌داری، باروری و زایش، و نماد بلندی مرتبه شده که به ادبیات عامیانه نیز راه یافته است. در رسوم عامه نیز درخت و اجزای آن در مراسم تولد، سوگواری و اعیاد مذهبی مانند آیین شب برات، حضوری گسترده داشته است. در فرهنگ عامه از درختان کنار برای تعیین مرز و به‌عنوان نشانگر نیز استفاده می‌شده است؛ چنان‌که واژه کنار در زبان پهلوی به‌معنای مرز بوده و مرزبان، کنارنگ خوانده می‌شده است. در فرهنگ شفاهی شهرستان جهرم، درختان کنار کهنسال دارای نام‌اند که علاوه بر جنبه تعیین مرز می‌توان با باور به انسان‌پنداری و تقدس این درخت مرتبط دانست. این مقاله با بررسی میدانی و کتابخانه‌ای، و روش توصیفی-تحلیلی به واکاوی جایگاه و اهمیت این درخت در فرهنگ، باورها و ادبیات عامیانه مردم فارس با تکیه بر مردم جهرم پرداخته و ضمن بیان نمونه‌های مختلف، آن‌ها را تحلیل و تشریح کرده است.

واژه‌های کلیدی: اشعار محلی، باورهای عامیانه، جهرم، درخت کنار، سدر، فارس.

۱. استادیار، عضو هیئت‌علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه جهرم، ایران؛ ftaslim@yahoo.com

مقدمه

برخی درختان، در اساطیر از معنا و مفهوم خاص و جایگاه بالایی در میان مردمان تمدن‌های مختلف داشته‌اند و از دوران کهن به دلیل چرخهٔ فصول، منبع الهام انسان‌ها و به‌نوعی نمادی از تولد، زندگی و مرگ بوده‌اند. باورهای عامیانه، اساطیر، ادیان، آداب‌ورسوم، کتب ادبی و هنر سرشار از نگاه‌های تلمیحی، استعاری، اشاری و تلمیحی به درختانی نظیر انگور، نخل، سرو، سدر، انجیر، سیب و... است. در تاریخ ادیان، هستی به دلیل توان بی‌نهایتش در تغییر و نوشدن، به شکل درختی عظیم‌الجثه تصویر شده است (صدقه، ۱۳۷۸: ۱۴۰). این امر، بین دنیای کنونی و فرهنگ‌های ایرانی، هندی، یونانی، سامی و رومی پیوندهای چندگانه و شبکه‌ای ایجاد کرده است. درخت کنار که در زبان عربی سدر خوانده می‌شود، در اصل بومی مناطق گرمسیری آفریقا و آسیا است که در بخش وسیعی از ایران نیز می‌روید و دارای ارقام بی‌شماری است. این درخت در برابر خشکسالی مقاوم و دیرسال است و بیش از پانصد سال عمر می‌کند. فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای این درخت نام عناب کنار را برگزیده است (فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۹۵: ۱۵۳).

کنار یا سدر درختی مقاوم در برابر ناملایمات طبیعت و میوهٔ آن به دلیل داشتن فواید زیاد، خواص دارویی و ارزش غذایی، یکی از محصولات مهم مناطق گرمسیری جنوب ایران است. درختان کنار اغلب به صورت خودرو در مناطق گرمسیری و سواحل جنوبی ایران و به‌طور عمده در استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، کرمان، فارس، بوشهر و خوزستان به صورت پراکنده می‌رویند و گاهی در منازل قدیمی شهرهای جنوبی نیز یافت می‌شود. از برگ، ریشه، صمغ، شاخه و میوهٔ این درخت می‌توان استفاده کرد. برگ این درخت، سدر و میوه‌اش نیز کنار نامیده می‌شود و خوراکی است. این درخت تقدس و پیوند معنوی بسیاری در بین مردم جنوب دارد و در فرهنگ و بسیاری از آداب‌ورسوم آنان تنیده شده و با باورهای عامیانه، لایه‌ها، آیین‌ها، قصه‌ها، بومی‌سرودها و... این مناطق مرتبط است. از این‌رو بیشتر باورهای عامیانهٔ مردم جنوب دربارهٔ این درخت شبیه به هم است.

درخت کنار در جنوب ایران از قدیم به‌دلیلی سرسبزی، دیرسالی و مقاومت، بنا بر باوری باستانی، در جوار امامزاده‌ها، مساجد یا قبرستان‌ها کاشته می‌شد یا به صورت طبیعی می‌روید یا بقاع متبرکه نظیر امامزادگان، قبرستان‌ها، مساجد و... در کنار این درختان ساخته می‌شدند. علت دیگر استفاده از درخت کنار، احترامی است که ایرانیان قدیم برای این درخت قائل بوده‌اند و هرگز بر تن این درخت تبر نمی‌زدند. حتی اگر کناری خشک هم می‌شد، به امید جوانه‌دهی مجدد تا مدت‌ها آن را نمی‌بریدند. در لرستان و ایلام معتقدند «درخت سدر را نباید برید که بریدنش گناهی بزرگ است». در مناطق بختیاری‌نشین نیز بر این باورند که «هرکسی

از درخت سدر شاخه‌ای بکند و از محل کندن شاخه خون بیرون بریزد، بدون شک خودش یا یکی از نزدیکانش خواهد مرد. از این رو به این درخت احترام می‌گذارند» (رک: ذوالفقاری و شیرینی، ۱۳۹۴: ۵۶۴).

در دزفول معتقدند باید حنای عروسی را به درخت کنار بمالند یا در آب بیندازند. در حاشیه خلیج فارس، درخت کنار، کرت و نخل را خوب و خوش‌یمن می‌دانند (همان: ۵۶۸).

این درخت بومی در جهرم، یکی از شهرستان‌های استان فارس، نیز می‌روید و از گذشته تاکنون به دلیل اهمیت و قداست آن وارد فرهنگ شفاهی شده است و باورهای عامیانه مختلفی درباره آن در این شهرستان وجود دارد. به دلیل برخی ویژگی‌های این درخت در فرهنگ عامیانه جهرم مانند دیرپایی، تنوع، تفاوت و البته برخی اشتراکات با سایر مناطق فارس، این تحقیق با تکیه بر فرهنگ مردم شهرستان جهرم انجام شد.

در جغرافیای طبیعی شهرستان جهرم درختان کنارهای آبی هم وجود دارد که سایر درختان کاشت و آبیاری می‌شوند. کنارهای بیابانی هم که در اصطلاح محلی به آن‌ها بشی^۱ گفته می‌شود که اغلب در بیابان‌ها می‌رویند و به علت آبیاری کمتر، میوه‌ای بسیار کوچک‌تر از درختان کنار آبی دارند.

از نظر جغرافیایی، اغلب درختان کنار شهرستان جهرم در جوار بقاع متبرکه قرار دارند و شاید به نوعی بتوان آن را جایگزین سروی دانست که در زمان ساسانیان در کنار آتشکده‌ها به نشانه خوش‌یمنی و تقدس و ماندگاری کاشته می‌شد.

شاخصه‌های هویتی منحصربه‌فرد و باستانی این درخت که شباهتی با باورها و مناسک مرتبط با سایر درختان در ایران دارد، می‌تواند محقق را به مقایسه تطبیقی بین درخت کنار و سایر درختان رهنمون شود تا راهگشای تعاملات اساطیری و بین‌ادبانی باشد. دست‌نخورده‌گی آیین‌ها و باورهای عامیانه درباره این درخت نیز جالب توجه است و به مناسک باستانی درباره درختان پهلو می‌زند.

پیشینه پژوهش

آثار متعددی درباره درختان و گیاهان تألیف شده از جمله کتاب‌هایی نظیر *نمادها و رمزهای گیاه در شعر فارسی* (۱۳۸۷) از دکتر حمیرا زمردی، *فرهنگ نمادها* (۱۳۹۲) از شوالیه و گربران، و *فرهنگ باورهای عامیانه مردم ایران* (۱۳۹۲) از حسن ذوالفقاری و علی‌اکبر شیرینی می‌توان اشاره کرد که به صورت تحلیلی و با شواهد و مثال‌ها، به بررسی و تحلیل نقش درختان

۱. Baši؛ بشی در گویش مردم جهرم به معنای گیاه و درختانی است که فقط با آب باران آبیاری می‌شوند.

در فرهنگ و ادبیات پرداختند. مقاله‌ای مانند «درخت در اساطیر کهن» (۱۳۷۸) از جان صدقه که به بررسی تاریخ حضور درختان در اساطیر پرداخت یا کتاب *رساله در تاریخ ادیان* (۱۳۷۲) از میرچا الیاده که نگاهی به حضور نمادین درختان در اساطیر و ادیان داشته، از جمله این آثار است. مقاله «بازخوانی مفهوم سدره‌المنتهی با رویکرد گفتمانی» (۱۳۹۴) نوشته احمد پاکتچی نیز به بررسی درخت سدره‌المنتهی در آیات و احادیث پرداخت و به این نتیجه رسید که این نام، نه عنوان درخت، بلکه نام صورت فلکی است.

پرسش‌های تحقیق

شاخصه‌ها و ویژگی‌های درخت کنار در فرهنگ محلی جهرم چیست؟
آیا بین باورها و فرهنگ عامیانه مردم جهرم و اساطیر و ادیان می‌توان ارتباطی یافت؟
چه ویژگی‌هایی از درخت کنار در ادبیات عامیانه مورد توجه واقع شده است؟

روش‌شناسی پژوهش

ریشه‌شناسی نمادهای درخت کنار، به صورت کتابخانه‌ای از طریق مطالعه و یادداشت‌برداری گردآوری شد. مطالعه میدانی این پژوهش به دو روش انجام شد: ۱. با مشاهده عینی پژوهشگر و تفسیر براساس زبان علم، از درختان کنار کهنسال جهرم بازدید و مستندسازی صورت گرفت؛ ۲. با مشاهده مشارکتی و مصاحبه با اهالی جهرم، اطلاعات لازم گردآوری شد. در نهایت با در کنار هم قراردادن شواهد متنی و میدانی جایگاه درخت کنار در فرهنگ عامیانه مردم فارس با تکیه بر مردم جهرم بررسی صورت گرفت.

درخت نخل در اساطیر جایگاه مهمی دارد و در فرهنگ عامیانه مردم جنوب و بن‌مایه‌های کهن آن در آیین‌ها و باورهای عامیانه مناطق ایران می‌روید. با وجود این، تاکنون پژوهشی علمی و همه‌جانبه درباره اهمیت و حضور اساطیر مرتبط با این درخت صورت نگرفته است. این پژوهش با روشی توصیفی-تحلیلی به بررسی نقش این درخت در فرهنگ محلی، باورهای عامیانه و ادبیات محلی جهرم می‌پردازد. برای یافتن باورهای مرتبط با کنار و درباره نقش این درخت در ادبیات عامیانه جهرم نیز از تحقیقات میدانی و اطلاعات اهالی جهرم استفاده شد.

چارچوب نظری پژوهش

معرفی درخت کنار

درخت کنار یا سدر^۱، سرده‌ای از درختان و درختچه‌های تیغ‌دار از تیرهٔ عنابیان است. کنار، درختی با برگ‌های کوچک و قلبی‌شکل و کشیده با سه رگبرگ برجسته است که گوشوارک آن به خار تبدیل می‌شود و ارتفاع متوسط آن هشت متر است. همچنین این درخت تاجی گرد و درهم‌رفته دارد و برگ‌های آن متناوب و میوهٔ آن بیضی‌شکل گرد و به رنگ زرد قهوه‌ای و متمایل به قرمز است.

کنار درختی نورپسند است و در خاک‌های رستی-شنی سبک و عمیق می‌روید و بذر آن تکثیر می‌شود. این درخت در تابستان به خواب می‌رود که این مسئله سبب کاهش نیاز آن به آب و میزان تبخیر می‌شود.

کاشت و استقرار این درخت دشوار است و به پنج سال مراقبت نیاز دارد، اما پس از استقرار، عمر و پایداری زیادی در مقایسه با دیگر درختان مناطق خشک پیدا می‌کند. چوب بیرونی آن سفید پشت‌گلی و چوب داخلی آن به رنگ سرخ شاه‌بلوطی و بسیار سخت و سنگین است که قابلیت ارتجاعی نیز دارد. زغال چوب کنار نیز از کیفیت مطلوبی برخوردار است و به سرعت به خاکستر تبدیل نمی‌شود.

زمان گل‌دهی درخت کنار معمولاً در اوایل مهرماه است و برداشت میوهٔ آن از اواخر دی‌ماه آغاز می‌شود و تا اواخر فروردین ادامه دارد. میوهٔ این درخت تخم‌مرغی شکل به‌اندازه میوهٔ زالزاک یا کمی کوچک‌تر و تک‌هسته‌ای است و مزه‌ای ترش مطبوع و شیرین دارد.

کنار در جنوب ایران بیش از سایر درختان نواحی گرمسیری رشد می‌کند و از لحاظ اقتصادی ارزش زیادی دارد؛ زیرا هم محلی برای کندوسازی زنبورعسل و هم میوهٔ آن منبع درآمد افراد محلی است. عسل و روغن درخت کنار از خوراکی‌های محلی مناطق کنارخیز است. در مناطق بختیاری‌نشین، ساکنان محلی از آرد میوهٔ خشک‌شدهٔ کنار برای تهیهٔ نان استفاده می‌کنند یا این آرد را تفت می‌دهند و با شکر می‌خورند. در جهرم و مناطق جنوبی ایران از میوهٔ این درخت نوعی رب محلی و روغن نیز تهیه می‌شود.

در طب سنتی برگ کنار علاوه بر شستن بدن، برای درمان زخم‌ها، پاک‌کردن عفونت بدن، تقویت موی سر، جلوگیری از ریزش مو و تقویت اعصاب نیز مفید است. از برگ کنار برای ضدعفونی و تحمل بدن در درجهٔ حرارت بالا و کاهش تبخیر پوست استفاده می‌شود. عصارهٔ سدر به‌ویژه در بیماری‌های پوستی اثر گندزدایی دارد. همچنین می‌توان از برگ‌های کنار برای تغذیهٔ کرم ابریشم استفاده کرد (حکیم مؤمن، ۱۳۶۰: ۴۷۳).

1. Ziziphus

درخت کنار در عربی و حتی فارسی سدر نیز نامیده می‌شود و در ایران معمولاً برگ‌های کوبیده نوع خاصی از آن را سدر می‌نامند و از گذشته تاکنون برای شست‌وشوی موی سر به کار می‌برند. در مناطق فارس و به‌طور کلی جنوب ایران تفاوتی بین اطلاق درخت به سدر و کنار نیست و فقط گاهی برای تعیین نوع میوه، به ارقامی مانند کنار هندی نیز اشاره می‌شود.

درخت کنار و سدر در اساطیر و ادیان

درختان به علت عمر نسبتاً طولانی، سرسبزی و مقاوم‌بودنشان، مظهر زندگی بی‌پایان و به دلیل رو به آسمان بودن شاخه‌های آن‌ها و اینکه آسمان جایگاه خدایان پنداشته می‌شد، به نوعی نماد پیوند بین زمین و آسمان بوده‌اند. اغلب اسطوره‌شناسان دربارهٔ تقدس درختان مطالبی نگاشته‌اند. «در جهان اعتقادی انسان، درخت با وجود بی‌حرکی، نمادی از تولد و رشد و تکامل و به‌طور کلی زندگی دانسته شده و هم جلوه‌های قدسی یافته است» (غنی‌نژاد، ۱۳۷۹: ۴۶). الیاده نیز به تقدس درختان در دنیای کهن اذعان دارد: «درخت به حکم قدرتش و از این‌رو که قدرتی مافوق بشری را متجلی می‌سازد، مقدس است» (الیاده، ۱۳۷۲: ۲۶۲).

یکی شمردن درخت مقدس و اساطیری با گونه‌های نباتی مانند نخل یا خرما، انجیر، انار، سدر و... در بین‌النهرین، نشان از آمیختگی درخت کیهانی با درختان بومی دارد. در بین‌النهرین ترکیبی از گیاهان گوناگونی که زیبا و بادوام بودند، درخت زندگی و مقدس شمرده می‌شدند: «درخت سدر به جهت گرانبهایی چوب و درختان انگور و خرما به دلیل مقوی و مغذی بودن میوه‌هایشان، از درختان مقدس هستند» (غنی‌نژاد، ۱۳۷۹: ۴۶).

درخت معمولاً در نقاط مرطوب یا جاهایی رشد می‌کند که با دست آبیاری می‌شود. با وجود این، گاهی در وسط بیابان‌های بی‌آب و علف، تک‌درختی مشاهده می‌شد و وجود درخت در چنین مکانی محل اعجاز دانسته و مورد احترام واقع شده است (رک: گدار، ۱۳۵۸: ۱۳؛ مهرآز، ۱۳۵۵: ۲۰). سدر در اساطیر و ادیان حضوری نمادین و با کارکردهای متعددی دارد.

منابع دینی و اساطیری درخت سدر را نماد پوشش حمایتی و سرپناه‌بودن، سکرآوری و آرامش‌بخشی، حائل و مرز بودن و قداست و حرمت آن معرفی کرده‌اند (پاکتچی، ۱۳۹۴: ۳۰-۳۵). هرودت ضمن تشریح روش‌های تطهیر، تدفین و مومیایی میت با استفاده از روغن درخت سدر، به رسوم مردمان سیتی یا سکاها که از اقوام کهن ایرانی بودند، اشاره می‌کند. وی اظهار می‌دارد که زنانشان برای شست‌وشو و نظافت بدن خود، به‌صورت فراوان از مخلوط سدر، کاج و کنار استفاده می‌کرده‌اند (هرودت، ۲۰۰۰، ج ۴: ۷۵). همچنین گفته شده زنان قدیم مصر با شانه‌های چوبی ساخته‌شده از درخت سدر موهای خود را شانه می‌کرده‌اند. در آیین تائو، میوه کنار نماد بی‌مرگی و جاودانگی است (شوالیه و گربران، ۱۳۷۹، ج ۳: ۵۶۱). درخت سدر از نظر

یهودیان نیز مقدس است و در حال حاضر هم عده‌ای از یهودیان مردگان خود را با آن شست‌وشو می‌دهند و معتقدند این عمل موجب خشنودی فرشتگان از مردگان می‌شود. در بسیاری از کشورهای اسلامی نیز نظیر ایران، عراق، هند، جنوب شرقی عربستان و نقاط دیگر، در مراسم تغسیل، اموات را با سدر و کافور که از درختان بهشتی شمرده می‌شوند، شست‌وشو می‌دهند. در داستان‌های اسطوره‌ای مناطق غربی ایران و میان‌رودان، نظیر حماسه گیلگمش، بارها در مورد جنگل‌های سدر، رابطه ایزدان و قهرمانان با این درخت، و کاربردهای چوب آن سخن گفته شده است. در گیلگمش جنگل سدر از نمادهای برجسته است. در این اثر کهن، از هومبابا نگهبان درخت سدر، تناوری درخت سدر که به نام سیدار خوانده می‌شود و با نام سدر تطابق دارد، جنگلی از درختان سدر، کوه سدر به‌عنوان جایگاه خدایان و عقوبت قهرمان به‌علت بریدن درخت سدر، یاد شده است. «توصیف ادیبانه و متعالی از جنگل‌های سدر مقدس، فارغ از اینکه آیا به‌راستی در حوزه جغرافیایی زاگرس ساخته و پرداخته شده باشد یا خیر، به هر رو مؤید بارقه‌هایی از تأثرات بینافرهنگی اصل روایت و دیدگاه شاعران و کاتبان سومری آن است» (یوسفیان کناری و طاووسی، ۱۳۸۸: ۷). در بخشی از داستان اودیسه نوشته هومر نیز از کنار و جزیره کنارخواران یاد می‌شود. اودیسه و یارانش وارد جزیره‌ای به نام کنارخواران می‌شوند که هرکسی از کنار شیرین آن بخورد، راه خانه را گم خواهد کرد. وی همراهانش را از خوردن کنار بازمی‌دارد و به کشتی بازمی‌گردد.

در قرآن چهار بار از درخت سدر یاد شده است. سدر مخضود یعنی درخت کنار بی‌خار که در سوره واقعه آمده و دو بار با عنوان سدره‌المنتهی در سوره نجم و یک بار در سوره سبأ یاد شده است. مطابق تفاسیر اسلامی از پای سدره‌المنتهی، رودهایی از آب صاف روشن و شیر تازه و باده خوشگوار برای نوشندگان روان می‌شود. منابع اسلامی درباره بزرگی سدره‌المنتهی گفته‌اند که اسب‌سوار، در سایه‌اش هفتاد سال راه می‌پیماید و یک برگ از آن، روی تمام مردم سایه می‌افکند (میبدی، ۱۳۸۲: ۳۶۱). به روایت قرآن مجید (نجم: ۱۳)، پیامبر به‌جز شب معراج، یک بار دیگر با دیده دل و در جایی که فرشته مقرب نیز اجازه حضور نداشت، خداوند را نزد سدره‌المنتهی مشاهده کرد. پیامبر در شب معراج پس از عبور از نهرهای کوثر و رحمت، در آسمان هفتم به درخت سدره‌المنتهی رسید و این درخت، پایان عروج جبرئیل بود و پس از آن، پیامبر باید به‌تنهایی عروج را طی می‌کرد: «وَلَقَدْ رَأَىٰ نَزْلَةَ أُخْرَىٰ، عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ» (نجم: ۱۳). در تفسیر الدر المنثور در این زمینه به نقل از پیامبر گفته شده است: «...از آنجا عبور داده شدم و به سدره‌المنتهی رسیدم. برگ درخت سدر را در آنجا دیدم که مانند گوش فیل بود و میوه‌اش همچون کوزه‌های بزرگ و چون امر الهی آن درخت را فراگرفت، وضعیتش تغییر کرد. در نتیجه احدی از خلق خدا قادر نیست که زیبایی آن را توصیف کند. آنجا بود که خداوند به

من وحی کرد آنچه را که کرد» (سیوطی، ۴/۱۴۰۴: ۱۳۷). همین روایت با اندکی تغییر در سایر متون تفسیری فارسی نظیر *روض‌الجنان* آمده است و گفته شده به دلیل اینکه کلاغ‌های زیادی روی درخت می‌نشینند، فرشتگان نیز روی درخت سدره می‌نشینند (رازی، ۱۳۴۵، ج ۱۰: ۳۴۱-۳۴۲).

در *غیاث‌اللغات* آمده است: «سدره‌المنتهی درخت کناری است بر فلک هفتم که منتهای اعمال مردم و نهایت رسیدن علم خلق و منتهای رسیدن جبرئیل هم آنجاست و گویند هیچ کس از آن نگذشته است، مگر پیغمبر» (غیاث رامپوری، ۱/۱۳۲۷: ۵۴۰). از سدره‌المنتهی و پرنهادن جبرئیل در اشعار فارسی شاعرانی نظیر سعدی، خاقانی، سنایی و حافظ نیز یاد شده است. در شعر فارسی، سدر نماد ریشه‌داری، سایه گسترده و منتهای، و بلندی مرتبه انسانی است.

اما احمد پاکتچی سدره‌المنتهی را درخت نمی‌داند و معتقد است «با توجه به سیاق تنها کاربرد قرآنی آن در سوره مکی نجم، سدره‌المنتهی باید پدیده‌ای شناخته‌شده برای مشرکین عرب نیز بوده باشد». به اعتقاد وی «مجموع کاوش‌های فرهنگی-گفتمانی و ریشه‌شناختی نشان می‌دهد که سدره‌المنتهی نه دقیقاً یک درخت، بلکه یک صورت فلکی با شکلی شبیه به درخت سدر است که در دورترین بخش مرئی با چشم غیرمسلح در آسمان دیده می‌شده و بر پایه شواهد مختلف قابل تطبیق با صورت فلکی آندرومدا است» (پاکتچی، ۱۳۹۴: ۷). سدره‌النبی نیز نام درختی است که با معجزه پیامبر به دو شق می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹: ۱۳۵۲).

در برخی مناطق ایران بر این باورند که سدر هر جا به عمل بیاید و بزرگ شود، مقدس محسوب می‌شود. اگر در بیابان یا سر گذرگاهی هم بروید، از آنجا شخص مقدسی عبور کرده که در مسیرش سدر روئیده است (ذوالفقاری و شیرازی، ۱۳۹۴: ۵۶۷)؛ برای مثال، در شهرستان کازرون در فارس، درخت کهنسال کناری معروف به درخت «بادلا» بوده است. به باور مردم، حضرت علی (ع) هنگام عبور از کازرون، برای برطرف‌شدن درد شکمش از میوه این درخت خورده است. از این رو به آن درخت بادلا می‌گفتند و خوردن میوه آن را برای درمان بسیاری از بیماری‌ها مفید می‌دانستند. از طرفی اهالی منطقه معتقد بودند اگر سه برگ از آن درخت را در غذای بیمار بریزند، بیمار شفا خواهد یافت. همچنین زنان و مردانی که ناباورند، اگر به مدت چهل روز، روزی یک دانه از میوه درخت بخورند و سپس غسل کنند و در پای آن درخت نماز بگذارند و همان شب به بستر بروند، نطفه فرزندی بسته می‌شود که در زندگانی موفق و سعادت‌مند خواهد شد. حاجتمندان شب‌های چهارشنبه در پای این درخت شمع روشن

می کردند و نماز می گزاردند و گبوله^۱ خیرات می کردند و بر شاخه‌هایش نوارهایی از پارچهٔ سبز می بستند و نیاز می طلبیدند و مراد می یافتند (رک: حاتمی، ۱۳۸۵: ۹۰-۹۱).

ابن سیرین در تعبیر دیدن خواب درخت کنار معتقد است این درخت در خواب دلیل بر مالی پاک و خالی از خیانت و نادرستی است و گویند میوهٔ حضرت آدم در بهشت کنار بوده است؛ اگر ببیند کنار خورد، مال حلال به دست می آورد. امام صادق (ع) نیز دیدن درخت کنار را در خواب دلیل بر مال حلال و رزق و روزی فراوان دانسته است. همچنین گفته شده که دیدن خواب درخت سدر، دلیل بر مردی بزرگوار و صاحب شرم است (تفلیسی، ۱۳۶۸: ۳۳۲ و ۱۷۶).

یافته‌های پژوهش

درخت کنار در فرهنگ شفاهی مردم جهرم

۱. درختان کنار نام‌دار جهرم

ارزش فوق‌العادهٔ کنار یا سدر در باور مردم سبب شده که هرگونه آسیب به این درخت مانند بریدن شاخه یا قطع درخت، آتش‌زدن و... گناهی نابخشودنی و بدشگون محسوب شود. در منابع حدیثی نیز پیامبر کسی که درخت کناری را قطع کند، لعن کرده است (صنعانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱۱: ۱۱). در فرهنگ عامه هر درخت سدر شناسنامه‌ای در طوایف نامی و مشهور گذشته داشت و با آن نام راه و مسیر شناخته می‌شد تا عابران گمراه نشوند و محدودهٔ زمین‌های زراعی به این وسیله از هم تفکیک می‌شدند. دهخدا به نقل از اسدی طوسی می‌نویسد در زبان پهلوی به مرز، کنار و به مرزبان، کنارنگ می‌گفته‌اند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۲: ۱۸۶۰۶). در شاهنامه نیز کنارنگ به معنای حکومت و مرزبانی آمده است. این منصب، منصب مهمی در دربار بوده و کنارنگ در زمان ساسانیان به مرزبان نیشابور گفته می‌شده که مرزهای شرقی کشور را در برابر هجوم اقوام وحشی محافظت می‌کرده است. از همین رو واژهٔ کنارنگی در ادبیات و متون تاریخی، به معنای مرزبانی، حکومت و سرحداری است. هنوز دهی به نام کنارنگ در نیشابور وجود دارد. کنارنگ‌دل نیز کنایه‌ای است که احتمالاً به دلیل شجاعت مرزبانان و البته تناوری درخت کنار در فارسی به معنای صاحب دل بزرگ است (همان: ۱۸۶۰۷). در اساطیر نیز به وجه نگهبانی درخت سدر اشاراتی شده است؛ برای نمونه در حماسهٔ گیلگمش، هومبابا مرزبان، و نگهبان درخت و جنگل سدر است. شاید به دلیل همین ویژگی محافظت و مرزبانی بوده که در گذشته این درخت را در مجاورت اماکن مقدس می‌کاشتند یا در مجاورت درختان کنار،

۱. در گویش مردم کازرون گبوله نوعی صبحانه سنتی است که با گل بابونه، آب، شکر، روغن، آرد و زردچوبه تهیه می‌شود.

مردگان را به خاک می‌سپردند. همچنین از درختان کنار برای تعیین حدود مرز استفاده می‌شد. درخت سدره‌المنتهی در سنت اسلامی نماد حدود و اندازه در زمان و مکان است (شوالیه و گربران: ۱۳۷۹، ج ۳: ۵۶۱). در روایتی از کعب‌الاحبار نیز درخت سدره‌المنتهی مرز بین دنیا و آخرت دانسته شده است (ابن ابی‌الحاتم، ۱۰/۱۴۱۹: ۳۴۵۳). البته استفاده از درخت کنار در مناطق قابل کشت به‌عنوان تعیین حدود مرز بین دو زمین کشاورزی، امری معمول بوده است و بعید نیست که در بیابان، درخت‌های کنار به‌مثابه نوعی نشانه، مسیر و حتی میل راهنما نیز کاربرد داشته و برای راه‌یابی به کار می‌آمده‌اند.

از این درخت، به‌عنوان نشانه‌ای برای پنهان کردن گنج و مسکوکات فلزی نیز استفاده می‌شد. دلیل این امر، طول عمر درخت کنار بود؛ چرا که این درخت تا هزاران سال زنده می‌ماند و به‌این‌ترتیب درخت کنار نگهبان چنج پنداشته می‌شد.

یکی از نکات مهم در فرهنگ عامه جهرم، صاحب‌نام‌بودن درختان کهنسال این شهرستان به‌ویژه درختان کنار است که تعداد آن‌ها نیز اندک نیست و نمی‌توان این نام‌گذاری را اتفاقی یا امروزی دانست. به عبارت دیگر این درختان کنار، در جهرم مانند آدمیان اسم‌هایی خاص دارند و حتی برخی از آنان دو اسم دارند که علاوه بر بیان احترام مردم به این درختان، به‌گونه‌ای انسان‌پنداری این درخت است که با ویژگی حفاظت، نگهبانی و تعیین مرز این درخت نیز ارتباط دارد. همچنین ممکن است این نام‌گذاری‌ها به‌دلیل منسوب‌بودن این درخت به مالک آن زمین نیز بوده باشد. اسامی خاص این درختان گاهی به‌علت مجاورت آنان با مکانی خاص انتخاب شده‌اند؛ برای مثال «کنار دروازه پیرشیب» یا منسوب به اشخاص هستند؛ مانند «کنار ملاجواد» یا «کنار ممدلی». مهم‌ترین درختان کنار شهرستان جهرم که دارای نام‌اند، عبارت‌اند از: کنار مزاری، کنار میش‌خسرو، (مشتی/مشهدی خسرو) کنار آغی شاجات (آقای شاه‌حاجات)، کنار امامزاده پیرشیب، کنار جمشیری، کنار زرین، کنار گازرون، کنار رو قبرستون، کنار چاه نو، کنار قدمگاه، کنار ممدلی (محمدعلی)، کنار آغی شاداسین (آقای شاهزاده حسین)، کنار پشت بازار یا کنار ملاجواد، کنار محله کلوان، کنار بی‌هور و بی‌نور (بی‌بی هور و بی‌بی نور) یا کنار پیازی، کنار باغ ساج و برجک. شش اصله درخت از مجموع این درختان در کنار امامزادگان، بقاع متبرکه یا قبرستان‌های قدیمی جهرم بوده‌اند. «حرمت یافتن بعضی از درختان همیشه سبز یا درختان کهن در ایران چون درخت کنار، به‌دلیل همجواری آن با امامزاده‌ها و پیران مقدس نیز نشانه‌ای از تقدس نباتات در باورهای ایرانی است» (زمردی، ۱۳۹۰: ۱۵۴).

متأسفانه چهار اصله از این کنارها خشک یا طی ادوار مختلف قطع شده‌اند، اما تعدادی که باقی مانده‌اند، عمر کلانی دارند و با توجه به قطر تنه، سن آن‌ها بین دویست تا ششصد سال تخمین زده شده است.

از بین آن‌ها دو درخت کنار که کلان‌سال‌ترند، درخت کنار بی‌هور و بی‌نور و دیگری درخت کنار مزاری است که پایین‌تنه اصلی هردو به دلایل نامعلومی خالی شده است. تنه برخی دیگر از کنارهای دیگر جهرم نیز کمتر توخالی شده است. درخت کنار در باورهای عامیانه جنوب، محل ایزدان، پریان و جنیان شمرده می‌شود.^۱ احتمالاً این توخالی‌کردن یا توخالی‌شدن تنه درخت، با آیین کهن عبور کودک بیمار یا مرده را از جوف درختی توخالی برای انتقال بیماری کودک به درخت یا تقلید عمل زایمان مرتبط باشد (الیاده، ۱۳۷۲: ۲۴۶-۲۴۷).

درخت کنار کهنسال شهر قطب‌آباد در بخش کردیان شهرستان جهرم با قدمتی بیش از پانصد سال، هنوز سرسبز و پابرجا است. این درخت کنار مشهور به کنار پیازی است که در ضلع شمال غربی شهر قطب‌آباد در مسیر جاده امامزاده بی‌بی هور و بی‌بی نور قرار دارد و از گذشته تا به امروز، در بین مردم از قداست و احترام ویژه‌ای برخوردار است. تنه این درخت از دیرباز توخالی شده و به‌گونه‌ای بوده که کودکان در قدیم از داخل تنه آن به بالای درخت می‌رفتند. این درخت هم‌اکنون به دلیل موقعیت مناسب، مثمر و تنومند است و اطراف آن پر از درختانی است که از درخت اصلی ریشه گرفته و روئیده‌اند.

درخت کنار مزاری نیز با قدمت ششصد سال در موقوفه معروف به شیخ‌الاسلامی، در محوطه فعلی شهرداری جهرم قرار دارد. قطر تنه این درخت ۲ متر و ۳۰ سانتی‌متر، قطر تاج ۱۴ متر و ارتفاع آن از سطح زمین ۱۲ متر است. این درخت از نظر آرایه‌شناسی گیاهی، از راسته گل‌سرخ‌سانان و تیره عنابیان است. طی سالیان زیادی آسیب‌هایی به تنه این درخت وارد شده است؛ برای مثال قسمتی از تنه آن توخالی و با گچ پر شده است.

درختان کنار نامدار جهرم، دارای نام‌های شخصیت‌های مذهبی نیستند؛ مگر اینکه در جوار بقاع متبرکه باشند، اما در کازرون، سه درخت کنار مرتبط با شخصیت‌های مذهبی و تأییدکننده وجه قدسی این درختان هستند: درخت کنار حضرت خضر (ع) در قدمگاه خضر، کنار حضرت عباس (ع) و کنار مرتضی علی (ع) (رک: حاتمی، ۱۳۸۵: ۸۳، ۸۴، ۹۲).

نفوذ درخت کنار در فرهنگ عامه جهرم به‌اندازه‌ای است که نام این درخت هم در نام‌گذاری آبادی‌ها و هم در نام خانوادگی اهالی این شهرستان دیده می‌شود. دره‌ای به نام دره کنار در شهرستان جهرم وجود دارد که در گذشته پر از درخت کنار بوده است. نام یکی از روستاهای دهستان هکان در بخش مرکزی شهرستان جهرم، «کناردان» است که با توجه به پسوند «دان» که در زبان فارسی به معنی جا و مکان، و ظرف است، بیانگر تعدد درختان کنار در این منطقه

۱. شکل دیگری از عبور نوزاد از بین اجزای درخت نیز در رسوم جهرمی وجود دارد. به این صورت که نوزاد را از بین کمان چوبی یا آن زیر سر نوزاد قرار می‌دادند؛ هرچند کارکرد آن امروزه تغییر یافته و برای قراردادن روانداز نوزاد استفاده می‌شود. نوزاد را در گذشته از زیر قنداق چوبی تنگ یا از بین بند آن نیز عبور می‌دادند.

در گذشته است. البته نام‌گذاری جغرافیایی به نام کناردان در دیگر مناطق جنوب ایران نیز وجود دارد و روستاهای مختلفی از توابع فیروزآباد در فارس، سیریک در هرمزگان، نیک‌شهر و سراوان در سیستان و بلوچستان موسوم به این نام‌اند. کنارتخته، کنارکوه و کنارده، کنارنگ و کنارک از دیگر نام مناطق جغرافیایی مرتبط با درخت کنار در ایران است. نام خانوادگی به نام «کناری» نیز در شهرستان جهرم وجود دارد که اغلب منسوب به دهستان کناردان هستند. در گذشته خاندانی منسوب به ساسانیان با عنوان کنارنگیان نیز در خراسان بوده‌اند که ابومنصور محمدبن عبدالرزاق طوسی، بزرگ آن‌ها به شمار می‌رفته است (بهار، ۱۳۳۴، ج ۱: ۱۶۵ و ۲۳۴).

۲. باورهای عامیانه درباره درخت کنار در جهرم

باورهای عامیانه درباره درخت سدر جهرم تا حدودی با برخی مناطق دیگر فارس که این درخت در آن‌ها می‌روید، شباهت دارد و برخی نیز منحصر به فرد است. در جهرم نیز مانند بسیاری از مناطق، درخت کنار را مقدس و آن را مظهر مراد می‌دانند و برای رسیدن به مراد خود به آن لته می‌بندند یا زیر آن شمع روشن می‌کنند. در جهرم گفته می‌شود اگر کسی از شهپول^۱ یا از میوه‌های رسیده کنارهایی که به آن‌ها دخیل بسته شده بخورد، تُو سییک^۲ می‌کند. تعدد شاخه‌ها، برگ‌ها و میوه‌های درخت کنار، نشانه‌ای از زایش بوده است و در بین اعراب بدوی صحرای النقب، زنان برای رفع نازایی به زیارت این درخت می‌رفته‌اند و نذوراتی به آن تقدیم می‌کرده‌اند (دافنی، ۲۵۰: ۵). هنوز هم به‌ویژه در مسیرهای عشایرو شهرستان جهرم، برخی درختان کنار مقدس‌اند و به شاخه‌های این درختان، نوارها یا تکه‌های پارچه سبز برای برآورده شدن حاجات و به‌خصوص فرزنددار شدن می‌بندند. «در یک رسم باستانی درختی زیبا را که در روستا جدا از دیگر درختان روییده و اغلب نزدیک چشمه آبی است، برای باطل کردن سحر و جادو و مناسب می‌دانند و زنان نازا با دستمال‌های قرمز رنگ بر درخت، دخیل می‌بندند. گویی درخت از گل قرمز پوشیده شده باشد» (شوالیه و گبران، ۱۳۷۹، ج ۳: ۱۹۵). این رسم دخیل بستن به درخت کنار در جهرم نیز وجود دارد، اما معمولاً از نوارهای رنگارنگ و اغلب سبزرنگ برای دخیل استفاده می‌شود. جهرمی‌ها همچنین بر این باور بودند که هرکس درخت کنار را قطع کند، نسلش قطع خواهد شد و آسیب‌رساندن به آن را بسیار نحس می‌دانستند و عقیده داشتند که اگر کسی

۱. šahpol. در گویش جهرمی شهپول که مخفف شاه‌پول است که به درختان کناری می‌گویند که به آن‌ها دخیل بسته می‌شود. این اسم، با توجه به باور ساکن بودن پریان در این درخت، نامی سخت معنادار است.
۲. Towv-e-siyak. تُوو سی یک در گویش جهرمی به تب نوبه اطلاق می‌شود.

شاخه درخت کنار را بشکنند، درخت جیغ و فریاد می‌کشد و نفرین می‌کند و بلایی سخت بر سر شکننده شاخه خواهد آمد؛ بنابراین هنگامی که ناچار به بریدن درخت کنار بودند، پای آن درخت، گوسفندی را قربانی و گوشت آن را خیرات می‌کردند. این وجه شومی آسیب‌رساندن به درخت کنار در اساطیر نیز دیده می‌شود. در اساطیر بین‌النهرینی، گیلگمش نیز به دلیل ازبین‌بردن هومبابا، نگهبان جنگل سدر، دچار عقوبت می‌شود.

جهرمی‌ها همچنین معتقد بودند هر جا درخت کنار باشد، زیر آن زمین آب فراوانی است؛ زیرا ریشه کنار تا به آب نرسد، ساکت نمی‌ماند. درباره میوه کنار و ریشه آن نیز عقیده داشتند که خوردن میوه سبز کنار موجب کچلی خواهد شد و البته میوه رسیده آن را بسیار خنک با طبع سرد می‌دانستند که برای رفع تبخال مفید است. پیشینیان این شهر بر این عقیده بودند که اگر درخت کنار در تابستان جوانه یا در اصطلاح محلی، چَرگِ نو بزند، نشانه رطوبت زیاد و در زمستان نشانه بارندگی است. این باور با بن‌مایه اسطوره‌ای رویدن درخت در کنار چشمه و ارتباط آن با آب برای باطل کردن سحر و جادو مرتبط است.

برای چیدن میوه کنار معمولاً با چوب یا سنگ به شاخه‌های کنار می‌زدند، اما در شب به این درخت سنگ نمی‌زدند؛ زیرا آن را محل زندگی اجنه می‌دانستند و معتقد بودند سنگ‌زدن به این درخت ممکن است موجب صدمه‌زدن به اجنه یا مردن آنان شود و جنیان با دیوانگی فرد از او انتقام بگیرند. به همین دلیل شبانگاه هنگام رد شدن از زیر کنار، «بسم‌الله پریزی»^۱، برای دورماندن بلا می‌گفتند. احتمالاً علت باور به چنین امری درهم‌بودن شاخه‌های این درخت و وهم‌انگیزبودن سایه آن بوده است؛ به‌خصوص اینکه به‌دلیل انبوهی و دور از دسترس بودن، معمولاً پرندگان بسیاری در این درختان آشیانه می‌کردند و صدای آنان نیز در تاریکی شبانه وهم‌انگیز بوده است. البته «در قرون وسطی عقیده داشتند پریان در میان درختان منزل دارند» (دوبوکور، ۱۳۶۰: ۱۹). در باور عامیانه مردم کازرون نیز اگر کسی شب‌هنگام یا غروب زیر درخت سدر بخوابد یا حتی از زیر آن عبور کند، دچار جنون و دیوانگی و غش می‌شود؛ زیرا بر این عقیده بودند که شب‌ها پریان و جنیان زیر آن به جشن و عیش مشغول‌اند و حضور آدمی بساط شادی آن‌ها را بر هم می‌زند. در نتیجه آن‌ها با گرفتن انتقام، انسان را دیوانه می‌کنند (حاتمی، ۱۳۸۵: ۱۱۲).

این رسوم و باورهای عامیانه گاهی در اشعار، کنایات و قصه‌های محلی نیز آمده است؛ برای مثال، این باور که منزلگاه اجنه در میان درخت کنار است، مردم از درخت کنار برای باروری استمداد می‌جستند یا اینکه درخت معمولاً در جوار آبی قرار داشت و... موضوعی است که به‌صورت مفصل در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۱. بسم‌الله پریزی یا بسم‌الله پرهیزی، بسم‌اللهی است که برای پرهیز از بلا، هنگام موقعیت خطر خوانده می‌شود.

۳. آداب و رسوم مرتبط با درخت کنار در جهرم

به‌طور کلی درخت کنار، معمولاً در اماکن مقدس یا مناسک آیینی حضور داشته است. در گذشته در فارس، شب‌های جمعه زیر کناره‌های جوار امامزادگان شمع روشن می‌کردند. در جوار درخت کنار پیرشیب جهرم سقاخانه‌ای درون دروازه پیرشیب جهرم برای روشن کردن شمع وجود دارد که البته با توجه به قرار داشتن آن در کنار امامزاده، از دو جهت قابل تأمل است.

همچنین با نوارهای پارچه‌ای اغلب سبزرنگ و به‌ندرت با قفل، به درخت کنار دخیل می‌بستند؛ به‌طوری‌که درخت از دور، آذین‌بسته به نظر می‌رسد. بستن لته یا تکه پارچه به درخت کنار به نیت برآوردن حاجات، از دیگر آیین‌های کهن در جهرم بوده که در ادبیات محلی نیز از آن یاد شده است:

پیش از آفتو که عالم گرگ و میشه و لم کردی، زدی ریشه‌م با تیشه
منم و رگار و چاشت و صب ناشتا قد کُنده کنار بستم تریشه

برگردان: پیش از طلوع آفتاب که جهان در تاریکی گرگ‌ومیش است، تو مرا رها کردی و انگار تیشه به ریشه من زدی و مرا کشتی. من هم صبح زود و میانه روز و صبح غذاخورده، به نیت بازگشت تو تکه پارچه‌ای به تنه درخت کنار بستم.

جالب آنکه این سنت در کنایات محلی معنایی وارونه دارد و در زبانزد محلی، لته به کنار بستن به معنای بی‌فایده و بی‌نتیجه بودن کار است.

همچنین سدر در جشن‌های کهن مانند مهرگان وجود داشته و جزئی از مراسم به‌شمار می‌رفته است. شاید تأثیر همین نقش‌آفرینی بوده که حتی در جشن‌های امروزی بین مردمان نیز گاهی سدر را می‌بینیم؛ برای نمونه در نواحی آران، راوند، نراق، نیداش و نوش‌آباد از توابع کاشان، شب ۲۵ بهمن، مراسمی به نام «اسفندرعیتی» برگزار می‌کنند و سدر هم بخشی از هدایای داماد برای نامزدش است (رک: انجوی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۵۲).

همچنین سدر یا برگ درخت کنار در جهرم در آداب شست‌وشو و حمام نقش پررنگی داشته است. مردم جهرم بر این باورند که برای رفع گرمای سر باید آن را با برگ کنار شست‌وشو داد؛ بنابراین بهترین سرشوی گیاهی را کنار می‌دانند. یکی از اقلام هدایای عروس و داماد در موقع ازدواج، پودر برگ سدر است. در گذشته در جهرم یک هفته پس از زایمان نیز زائو را به حمام می‌بردند و سر و تن وی را با سدر می‌شستند. در منابع اسلامی گفته شده در آغاز بعثت پیامبر از این‌رو که قلت ایمان‌آوردگان و کثرت دشمنان را دید و دچار اندوه شدید شد، پس خداوند جبرئیل را فرستاد تا سر آن حضرت را با کنار شست‌وشو دادند تا حضرت آرام گرفت (ابن‌بابویه، من لایحضره، ۱/۱۲۵). همچنین شستن سر با کنار موجب دفع وسوسه شیطان و حمایت در برابر دعوت به عصیان می‌شود و موجب جلب روزی است (همان).

از طرفی ویژگی‌های قدسی، آیینی، بهداشتی و درمانی درخت سدر سبب شده تا از این گیاه در مراسم تدفین و تدهین میت طبق رسوم اسلام استفاده شود. نخستین غسل میت از سه غسل او، با آب سدر انجام می‌شود (قمی، ۱۳۸۵: ۱۰۰۷). به همین دلیل در چهارم برای متوفا وسایلی با عنوان خلعت تهیه می‌کنند که شامل کفن، صابون، پنبه، سدر و کافور برای غسل دادن است. در اصل، سفیداب، سدر، کتیرا، صابون و حنا از ابزارهای دلاک‌ها در حمام محسوب می‌شدند (خیراندیش، ۱۳۸۴: ۱۶۹). این آیین در شعر محلی این شهر نیز بازتاب دارد: دو چشمونی که داری من اسیرم اگر تا (تو) مرده‌شوری تا بمیرم
اگر غسل دهند با سدر و کافور کفن پاره کنم سیرت (رویت) ببینم
سنت محلی دیگری که مرتبط با درخت کنار در چهارم وجود داشته، آیین شب برات است.

۴. درخت کنار و آیین شب برات در چهارم

مردم از دیرباز برای رفتگان خود احترام خاصی قائل بوده و سعی می‌کرده‌اند که به‌نوعی روح آنان را از خود راضی نگه دارند و بر همین اساس، سنن گوناگونی برای تجلیل از مردگان و شادی روح و طلب آمرزش برای ایشان وجود دارد.

یکی از این سنن، شب برات، لیلۃ البرات یا لیلۃ البرائه یا شب چک است که مراسم آن با برخی از آیین‌های کهن ایرانی مشابهت دارد و میان مسلمانان نیز محترم است. از دیرباز در فرهنگ مردم ایران، باورهای گوناگونی درباره شب برات وجود داشته و اوقات مختلفی برای آن در نظر گرفته شده است. خاستگاه و اصل مناسک مربوط به شب برات را با برخی از آیین‌های ایران باستان از جمله روزهای پنجه و جشن فروردگان مرتبط دانسته‌اند. شاعر شهیر قرن ششم، سنایی غزنوی نیز به جشن شب برات اشاره کرده که نشان می‌دهد این آیین جزء رسوم شاهان در قرن ششم بوده است:

از زمان آمدند بهر ثنات جمعه و بیض و قدر و عید و برات

ابوریحان بیرونی در *التفهیم* تصریح می‌کند که شب برات در پانزدهم ماه شعبان است و می‌گوید که می‌پندارم وجه تسمیه شب برات از آن‌رو است که «۱۵ شعبان بزرگوار است و هرکس در آن عبادت کند و نیکی به‌جای آرد، بیزاری یابد از دوزخ» (بیرونی، ۱۳۶۲: ۲۵۲). از نوشته‌های ابوریحان می‌توان دریافت که نام‌گذاری این شب به برات از آن جهت است که از دیرباز به عقیده مردم، برات یا امان‌نامه آزادی از آتش دوزخ برای بندگان که در این شب عبادت کنند، نوشته خواهد شد یا بندگان در این شب از آتش دوزخ بیزاری می‌جویند.

شب برات که به نام‌هایی مانند چراغ برات یا شب روشن نیز شناخته می‌شود، امروزه در نواحی مختلف ایران از غروب سیزدهم تا پانزدهم ماه شعبان بیشتر برای احترام به مردگان و در محل آرامگاه‌ها و بر سر قبور برگزار می‌شود. بیرونی در این مورد در *آثار الباقیه* نیز می‌نویسد: «سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم این ماه، ایام البیض نام دارد و شب پانزدهم این ماه شب بزرگ است و لیل الصک و لیلة البرات نام دارد و عوام مردم بر این عقیده‌اند که صورت افرادی را که در آن سال باید بمیرند، خداوند در آن شب به ملک، موکل به گرفتن ارواح می‌دهد» (بیرونی، ۱۳۸۶: ۵۳۱). غزالی نیز در *کیمیای سعادت* همین مضمون را آورده است: «و در اثر است که شب نیمه شعبان، صحیفه عمر به دست ملک‌الموت دهند. هرکه را در این سال جان باید گرفت، نام وی در آن صحیفه نوشته بود» (غزالی، ۱۳۸۰: ۲/۱۰۲). علاوه بر ابوریحان بیرونی و امام محمد غزالی که عقیده دارند زمان مرگ افراد در نیمه شعبان مشخص می‌شود، در منابع اسلامی نیز از این حدیث یاد شده است: «در این شب [برات] اعمال ثبت می‌شوند، روزی‌ها قسمت می‌شوند، زمان‌های مرگ نوشته می‌شوند» (ابن طاووس، ۱۴۱۷: ۲۲). این روایت بر تعیین تقدیر در این شب اشاره می‌کند.

حدیثی که از پیامبر در کتاب *مفاتیح الجنان* درباره فضیلت درخت طوبی و نقش آن در شب پانزدهم شعبان نقل شده، با تغییراتی در فرهنگ شفاهی تبدیل به درخت کنار و سدره‌المنتهی شده است. پیامبر در ادامه تشریح می‌کند که تمسک به هریک از اعمال نیک در ماه شعبان، به‌مثابه آویخته‌شدن به یکی از شاخه‌های طوبی است و در این صورت، شاخه‌های درخت طوبی فرد را به سوی بهشت حرکت خواهند داد (قمی، ۱۳۸۴: ۲۶۶-۲۶۹). بر این اساس، طوبی درختی بهشتی است که سرمنشأ تمام خیرات و نیکی‌ها است و در ماه شعبان، شاخساران خود را برای تنعم بندگان می‌گستراند.

اما در باورهای عامیانه اعتقاد بر این است که نام هرکس روی برگ‌های درخت بهشتی سدره‌المنتهی نوشته شده است و اگر در این شب یک برگ با نام شخص افتد، آن شخص خواهد مرد. همچنین بزرگداشت شب‌های برات پس از اسلام، به‌دلیل دگرگونی تقویم، مصادف با نیمه شعبان و ایام میلاد صاحب‌الزمان (عج) و همان‌طور که اشاره کردیم، درختان بهشتی سدر و طوبا با هم برابر شده‌اند (زمردی، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

روایت عامه از حدیث پیامبر این است که تعداد برگ‌های سدره‌المنتهی در بهشت برابر با تعداد انسان‌های زنده در جهان است و گفته شده که نام همه موجودات بر برگ‌های آن نوشته و روی هر برگ، نام شخص و پدر و مادرش درج شده است. در طول شب پانزدهم شعبان، کمی بعد از غروب به لرزه درمی‌آید و اگر برای کسی در سال آتی مرگ مقدر شده باشد، برگی که نام او بر آن درج شده، در اثر تکان بر زمین می‌افتد و اگر مرگ او بسیار نزدیک باشد، برگ خشک

می‌شود و فقط تکه کوچکی از آن سبز می‌ماند؛ به همان اندازه که وقت دارد زنده باشد و این زمان به بزرگی تکه سبز باقی‌مانده از درخت، از برگ است. در طول این مراسم، دعای خاصی خوانده می‌شود (رک: شوالیه و گربران، ۱۳۸۲، ج ۳: ۵۶۲). روشن کردن شمع، آتش‌افروزی و توزیع شیرینی، از رسوم شب برات در ایران باستان بوده است.

از آنجا که امروزه در ایران نیمه شعبان، روز تولد دوازدهمین امام شیعیان، یکی از اعیاد مذهبی به‌شمار می‌آید، آیین چراغانی در این شب بیشتر به‌منظور برگزاری جشن میلاد انجام می‌شود. این چراغانی‌ها که به شیوه‌های گوناگونی صورت می‌گیرد، مسلماً بی‌ارتباط با مراسم چراغ برات نیست (اخوان، ۱۳۶۳: ۱۵۵؛ فاروقی، بی‌تا: ۶).

یکی از باورهای کهن مرتبط با درخت کنار در جهرم، روشن کردن شمع یا چراغانی کردن این درخت در شب نیمه ماه شعبان است. این آیین اگرچه رنگ مذهبی دارد و با جشن میلاد موعود مرتبط است، نشانه‌های کهن‌تری نیز در آن می‌توان یافت که ریشه آن را به آیین شب برات می‌رساند که با ظهور اسلام با جشن‌های نیمه شعبان یکی شده و وجه آیین شب‌برات بودن آن امروزه در جهرم کاملاً فراموش شده است. مهم‌ترین و بزرگ‌ترین جشن عمومی که با آذین‌بندی و پخش نقل و شیرینی از گذشته تاکنون در جهرم برگزار می‌شود، در نیمه شعبان است. یکی از نشانه‌های آیین شب برات در جهرم، چراغانی کردن کوچه‌ها و معابر و درخت کنار است. چراغانی کردن درخت کنار کهنسال محله کلوان نیز هر سال در شب پانزدهم نیمه شعبان برگزار می‌شود و گاهی نیز از اول این ماه، درخت را چراغانی و جشنی به همت صاحب‌منزل در جوار درخت کنار برگزار می‌کنند. این جشن شب‌هنگام و معمولاً طی سه شب به‌صورت سنتی با مولودی‌خوانی و پذیرایی عمومی، پخش شیرینی و شکلات و حضور مردان و زنان برگزار می‌شود. البته چراغانی کردن شهر و پخش کردن شیرینی، همان‌طوری که ذکر شد، مربوط به جشن نیمه شعبان است.

رسم چراغ برات در ادبیات عامیانه جهرم نیز به‌صورت ضرب‌المثل یا زبازدی است که با موعود و اتفاق نیکی که در آینده خواهد افتاد، مرتبط است. در گویش جهرمی «به دلم برات شده که...». یعنی وارد قلبی و معنوی به من می‌گوید که فلان امر اتفاق خواهد افتاد.

امروزه آیین شب برات در جهرم با جشن نیمه شعبان تلفیق شده و تمایز چندانی بین آن‌ها نمی‌توان قائل شد. از گذشته‌های بسیار دور جشن نیمه شعبان در جهرم، با آویختن پرچم‌های رنگین بر سردر اماکن گرامی داشته و در و دیوار مساجد به‌صورت مفصل از اول ماه شعبان با قالیچه و ریسه‌های رنگی تزیین و چراغانی می‌شد. گاهی این تزیینات از منازل ساکنان محله تهیه و گاهی نیز در محلات، در بازار، کنار مغازه‌ها، چارطاقی‌ها و طاق نصرت‌ها به‌وسیله داربست و ستون برپا می‌کردند که با دیوارکوب‌های قالی و مخمل و پارچه تزیین و از آن، چراغ

و گل می‌آویختند. در این خیمه‌گاه‌ها از مردم با شیرینی و شربت پذیرایی می‌شد. سوزاندن اسفند و عود و چراغانی تمام معابر شهر به انواع چراغ‌های الوان، شب‌هنگام جلوه‌ای ویژه به شهر می‌داد. از دیگر مراسم‌ها در این روز برپایی مجالس مولودی‌خوانی در اماکن مذهبی و خانه‌ها بود. در این روز اشعاری در مدح ائمه و به‌خصوص حجت‌بن‌الحسن (عج) توسط مداحان خوانده می‌شد که حضار با کف زدن و تکرار ابیاتی از اشعار مولودی، با آن‌ها همراهی و نقل و شیرینی روی سر حضار می‌پاشیدند. در چهارم در شب و روز نیمه شعبان، اموری نظیر ازدواج، نام‌گذاری، رفتن به منزل نو، خرید ملک یا وسیله تازه، آراستن و پیراستن ظاهر و... میمون و مبارک دانسته می‌شود.

۵. درخت کنار در ادبیات محلی جهرم

از آنجا که درخت کنار در شهرستان جهرم فراوان و دارای انواع و اقسام متعدد بوده و از میوه و برگ و شاخه آن استفاده می‌شده است، طبیعی است که وارد ادبیات عامیانه این شهرستان نیز شده باشد. درخت کنار در ادبیات عامیانه، از نظر بزرگی و تناوری، دیرسالی و نامیرایی، به‌عنوان پناهگاه و محلی برای زندگی جن و پری مد نظر بوده است.

تعدادی از نمودهای حضور این درخت در ادبیات عامیانه جهرم معرفی و تشریح می‌شود. در اصطلاح جهرمی زبانزدی وجود دارد که این درخت را از نظر بزرگی مثال می‌زند. از آنجا که درخت کنار بسیار بزرگ می‌شود، هر وقت می‌خواهند بزرگی سنی یا اندازه‌ای را مثال بزنند، می‌گویند:

«قَدِ كُنارِ پُشتِ بازا سِنَشِه!»^۱

یعنی به اندازه درخت کنار پشت بازار، که در اصطلاح محلی کنار ملاجواد نامیده می‌شود، مسن است یا بزرگ می‌شود. گاهی هم به‌جای ذکر محل، نام کنار را می‌برند و می‌گویند: «قَدِ كُنارِ مَلأ جَوادِ سِنَشِه!». در یکی دیگر از کنایات جهرمی که مرتبط با درخت کنار است، گفته می‌شود:

«مَلخِ به كُنارِ بَسَه!»^۲

«ملخ به کنار بستن» در کنایه و طعنه به پیوند دو چیز نامتناسب از نظر جثه، سن و شرایط و... است؛ برای مثال، اگر دختری کم‌سال با مردی مسن ازدواج می‌کرد، اصطلاح ملخ به کنار بستن را برای این ازدواج به‌کار می‌بردند و منظور، نداشتن تناسب بین طرفین این ازدواج بود.

1. Ghade konar bazar senšeh.

2. Malx beh konar basseh!

«آته به کنار بستن» یکی دیگر از ضرب‌المثل‌های مرتبط با کنار در جهرم است که با چرخشی متضاد، اعتقاد به قدرت درخت کنار را رد می‌کند و با تمسخر آن را بیهوده می‌شمارد. این زبانزد در گویش جهرمی به معنای کار بیهوده، بی‌نتیجه و بی‌فایده‌کردن است. شاید این مثل به سنت بی‌اهمیتی به ایزدان برای بر سر غیرت آوردن آن‌ها برای حاجت‌دهی و تأثیر گفته شده است؛ چنان‌که پیش از اسلام، گاهی معابد مهر و آناهیتا را بر سر غیرت آوردن وی، ملوث و آلوده می‌کردند (رک: باستانی پاریزی، ۱۳۵۶: ۳۶۳-۳۶۸).

- «مُحَبَّتْش مِثِ خَارِ كِنَارِ بَه مَا چَسْبِيدَه».

این زبانزد، به ویژگی چسبندگی و جداناپذیری خار کنار اشاره می‌کند که اگر این خار به چیزی گیر کرد، به‌سختی می‌توان آن را از لباس جدا کرد. در این زبانزد محبت فرد به خار کنار شبیه شده که جدانشدنی است یا به‌سختی از شخص جدا می‌شود و البته به‌نوعی مزاحم هم هست.

یکی دیگر از زبانزدهای مردم جهرم، اصطلاحی مربوط به گذشته‌های بسیار دور است و هنگامی که از کسی نشانی صحرای شهدای جهرم، آن را گفته است:

- کَتی و کُتی و کُناری

سه تا تَرُک، اناری/مزاری^۱ (فرزین‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۰۵)

برگردان: [صحرای شهدا جایی است] که در آن تختی چوبین و کلبه‌ای محقر و گلین و یک درخت کنار وجود دارد و در جوار آن، سه درخت نخل و یک درخت انار یا مزارها وجود دارد. توضیح آنکه کت در لهجه جهرمی به تخت چوبی، کت به خانه محقر از جنس خاک و گل، و تَرُک به درخت نخل گفته می‌شود.

ریشه این زبانزد از آنجا است که در جهرم منطقه‌ای به نام صحرای شهدا وجود دارد که در گویش محلی به آن شوودا^۲ می‌گویند. گفته شده در گذشته‌های بسیار دور، در این منطقه بین جهرمی‌ها و مهاجمان جنگی می‌گیرد و اهالی جهرم سخت مقاومت می‌کنند تا اینکه همه کشته می‌شوند؛ به‌گونه‌ای که کل منطقه را اجساد آن‌ها می‌پوشاند. این دره در اصطلاح محلی به دره لاشه^۳ نیز معروف است. بازماندگان جنگ، پیکر شهدا را به خاک می‌سپارند و به یادبود آن‌ها کلبه‌ای کوچک برای اقامت، یک تخت چوبی برای نشستن و چند درخت دیرسال نظیر نخل، انار و کنار بر مزار آن‌ها می‌کارند. این زبانزد جهرمی نشانی از آن از دست‌رفتگان است و

1. Kati-o koti-o konari, seh tā tarok anāri/mazāri

2. šuvadā

3. lāšeh

هنوز بقایای تعدادی درخت کنار، انار و نخل در این منطقه وجود دارد. در یک واسونک محلی جهرمی هم از این منطقه با عنوان «باغ شوودا» یاد شده است (فرزین‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۹). جای دیگری از ادبیات عامیانه جهرمی که نقش درخت کنار را در آن می‌توان دید، اشعار محلی و بومی سرودها است. درخت کنار تیغ‌ها و خارهای بسیار ریزی دارد که اگر به بدن فرو رود، محل آن بسیار دردناک است و گاهی موجب قرمزی، تورم و کبودی محل فرورفتگی می‌شود. به همین دلیل در باور عامیانه جهرم، خار کنار را زهردار می‌دانند و در بومی سرودها، جای گرفتن عشق در دل، به فرورفتن خار درخت کنار در دل تشبیه است:

حالا که مهر تو چون خار کُنا ره تو دلم
صامدی ای بشه گل، خواره، کُنا ره تو دلم
(عقیلی، ۱۳۹۳: ۲۸)

برگردان: اکنون که عشق تو مانند خار درخت کنار در دل من فرو رفته و از طرفی از من جدا نمی‌شود و از سویی موجب درد و آزار من شده است، اگر این خار که ادعای عشق دارد گل هم بدهد (آن فرد نیز عاشق من بشود)، برای من دیگر ارزشی ندارد و از دلم دور است. رد پای دردناک بودن و البته جدایی‌ناپذیری خار کنار را در ادیان نیز می‌توان دید؛ چنان‌که گفته شده تاج خاری که موقع به صلیب کشیدن بر سر حضرت مسیح (ع) گذاشته شده، از خار درخت سدر بوده است.

از دیگر نمودهای حضور درخت کنار در ادبیات عامیانه جهرم، حضور آن در قصه‌های عامیانه و محلی است. البته در این قصه‌ها اغلب محل رخداد حادثه در جوار درخت کنار است و همچنین بر نقش پناهگاهی و تناوری و پوشندگی آن تأکید می‌شود. در اساطیر یونانی نیز در داستان نیمف نامبردار، درخت کنار نماد دفاع و حمایت است (شوالیه و گربران، ۱۳۷۹، ج ۳: ۵۴۵). در «سرگذشت گنجشک‌ها» در مجموعه *داستان‌های محلی جهرم*، مکان داستان، دو درخت کنار تناور و انبوه قلعه باغ عوض است. در این قصه محلی، محل اجتماع و جلسات گنجشک‌ها روی این دو درخت است که در آن، پرندگان به هم درباره این‌که هوای همدیگر را داشته باشند و اگر جایی خرما و توت انگور فراوانی دیدند، به یکدیگر خبر بدهند (رک: اسفندیاری، ۱۳۹۳: ۱۳۱-۱۳۷). در دنیای نمادها «درخت مجوف و همچنین درخت برگ‌دار انبوه و پوشاننده، جایی که پرندگان آشیانه می‌سازند و دوره به دوره از میوه پوشیده می‌شود، یادآور تصویر الگویی ازلی قمری از مادر بارور است» (شوالیه و گربران، ۱۳۷۹، ج ۳: ۱۹۸). در جنوب ایران، از آنجا که آفتاب گرم، سوزان و طولانی دارد، درخت سدر با سایه فراگیر خود، به‌عنوان سرپناه و منزل ارزش و جایگاه بالایی دارد.

یکی دیگر از قصه‌های محلی جهرم که درخت کنار در آن نقشی غیر از فضاسازی دارد، قصهٔ طویل «میرزا فتح‌الله و بش‌کاری او» است (رک: همان: ۵۰). در این قصه، علت عمر طولانی و دیرسالی درخت کنار آمده است. بش در اصطلاح جهرمی به کشت دیم گفته می‌شود. در این قصه پس از تعریف کردن سرگذشت طولانی درخت کنار، از میرزا فتح‌الله که تجربه‌ای در کاشت گندم دیم نداشته است، اما برای کسب درآمد و روزی بیشتر به این عمل دست می‌زند و گرفتار دیوی می‌شود، سخن گفته می‌شود. دیو این قصه، فرزند زن عظیم‌الجثه‌ای به نام حَشَک^۱ است که در جوار درخت کنار زندگی می‌کند و حیات دائمی خود را مدیون نوشیدن آب حیات اسکندر است. به روایت این قصه، اسکندر هنگام بازگشت از ظلمات، مشکی از آب حیات پر می‌کند و در وسط راه موقع استراحت آن را بر درخت ککناری آویزان می‌کند و می‌خوابد. کلاغی به این مشک نوک می‌زند و آب حیات بر زمین می‌ریزد و به پای درخت کنار می‌رود. ناگهان از جوار درخت کنار، حَشَک که زن تنومندی که نگهبان مشک بوده، آزاد می‌شود و از آن آب می‌نوشد و از آن زمان تاکنون سه تن؛ یعنی، کلاغ، درخت کنار و حشک که از آب حیات نوشیده‌اند، زنده مانده‌اند. انجوی این روایت را برای دیرسالی و حیات جاودانهٔ درخت سرو و کاج یاد کرده است (انجوی شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۴۲-۱۴۳).

در این روایت می‌بینیم که دیگر ویژگی اسطوره‌ای درخت کنار یعنی دیرسالی، بقا و فسادناپذیری از نظر مردم بیان شده است. این نقش به جایگاه این درخت به‌عنوان درخت کیهانی با درخت زندگی در اساطیر اشاره دارد. درخت، رمز زندگی و باروری پایان‌ناپذیر و واقعیت مطلق است که با الههٔ بزرگ‌تر و رمزهای آب پیوند دارد و این، سرچشمهٔ بی‌مرگی و آب حیات یا درخت زندگی است (الیاده، ۱۳۷۲: ۲۶۰). «در روایات اسلامی توصیف درخت کیهانی با درختان بهشتی طوبا و سدر کاملاً مطابق است» (زمردی، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

یکی دیگر از مظاهر حضور درخت کنار و باورهای مرتبط با آن در ادبیات عامیانه، قصهٔ «دختر و درخت کنار» است که به‌صورت گسترده در اروپا، آسیا و بخش‌های محدودی از آفریقا می‌توان آن را یافت (Anderson, 2000: 61). این قصه در مناطق جنوبی فارس و به‌ویژه در شهرستان اوز رایج است. در این قصه، زنی نازا زیر درخت کناری دعا می‌کند که اگر دختردار شد، فرزند خود را به ازدواج درخت دربی‌آورد. زن باردار می‌شود و دختری به دنیا می‌آورد. وقتی دختر بزرگ می‌شود، روزی از میان درخت می‌شنود که به مادرش پیام بدهد تا به نذر خود وفا کند. مادر دختر را می‌آراید و زیر درخت می‌گذارد. شب از میان درخت، جوانی زیبارو که شاه‌نیل نامیده می‌شود بیرون می‌آید و به دختر می‌گوید شوهرش است و او را به داخل درخت

می‌برد. مابقی داستان سرگذشت این دو، در مورد اطرافیان است و ارتباطی با درخت ندارد (رک: وطن‌پور و نمیرانیان، ۱۳۹۱: ۱۶۷-۱۸۷).

در قصه دختر و درخت کنار طبق نذر مادر، دختر به ازدواج درخت درمی‌آید، پس درخت کنار مذکر است که با حضور پسر/شاه نیل در تنه درخت انطباق دارد. «نمادگرایی درخت از نظر جنسیت دوجویی است. درخت زندگی ممکن است در اصل به‌عنوان یک صورت نر-ماده اولیه ملحوظ شود، اما در حیطه جهان پدیده‌ها، ساقه‌ای که به طرف آسمان قد برافراشته، که نماد نیرو و قدرت خورشیدی است، آلت مذکر است و تصویر الگوی ازلی پدر است» (شوالیه و گربران، ۱۳۷۹، ج ۳: ۱۹۸). کهن‌ترین ریشه تصور انسان-نبات یا یکی دانستن درخت و انسان و به‌طور کلی گیاه‌تباری انسان، به اساطیر برمی‌گردد (الیاده، ۱۳۷۲: ۲۸۶). تجسد ایزدان گیاهی در قصه‌ها، اساطیر و حماسه‌ها بیشتر به‌صورت شاه، شاهزاده یا افراد نژاده است. کهن‌الگوی درخت-مرد را در کهن‌الگوی درخت-ایزد و درخت-شاه نیز در قصه درخت کنار و دختر نیز می‌توان دید که درخت-شاه با حضور شاه نیل در درخت کنار همخوانی دارد. پیش‌تر نیز گفتیم که در گویش جهرمی به درخت کناری که به آن‌ها دخیل بسته می‌شود، «شهپول» می‌گویند که از دو واژه شاه و پول تشکیل شده و مرتبط با کهن‌الگوی شاه‌دانستن درخت است.

نذر کردن پیش درخت کنار برای فرزندآوری نیز ریشه در باور اسطوره‌ای دانستن این درخت به‌عنوان نمادی از باروری و زایش، در جوامع کهن دارد. قصه دختر و درخت کنار با نذر زنی نازا به درخت کنار و یاری‌جستن از او برای بارداری آغاز می‌شود. این باور یکی از رایج‌ترین باورها و از قدیمی‌ترین کارکردهای اسطوره‌ای درخت در سراسر جهان است. پیش‌تر یاد شد که زنان طوایفی از اعراب، از درخت کنار برای باروری استمداد می‌جویند. در قبیله توهو، بین مائوری‌ها، باروری زنان به درختان نسبت داده می‌شود؛ به این صورت که بنا بر رسم موجود، زن نازا باید درختی را در آغوش می‌گرفت (فریز، ۱۳۸۲: ۱۶۲). از نظر ظاهری نیز انشعابات گسترده درخت کنار از تنه و شاخه و فراوانی برگ و محصول می‌تواند نشانه‌ای از زایش برای آن بسازد. در اساطیر مصر، تابا، از شخصیت‌های اسطوره‌ای مذکر، در یکی از پیکرگردانی‌هایش، به‌صورت درخت سدر نمودار می‌شود که با افتادن تراشه‌ای از تنه‌اش در دهان همسر فرعون، شهبانو حامله می‌شود (رستگار فسایی، ۱۳۸۵: ۱۰۲). الیاده نیز به وجود رسم زن و شوهر دادن انسان و درخت، به شیوه‌های گوناگون به قصد باروری در اساطیر تصریح دارد (به نقل از الیاده، ۱۳۷۰: ۳۱۸-۳۱۹). منزل شاه‌پریان در قصه دختر و درخت کنار، داخل درخت کنار است. همان‌طور که گفته شد در باور مردم جنوب، درخت کنار محل اجنه و پریان است. کهن‌باور وجود ارواح، اجنه، خدایان و مردگان درون درخت بین اقوام کهن مشترک است. «در بسیاری از جوامع، مردم به ارواح که اعتقاد داشتند که منزلگاهشان روی درخت بود... مثلاً اعراب باستان معتقد

بودند که اجنه در درختان می‌زیند» (وارنر، ۱۳۸۹: ۵۶۳). به نظر فریزر، این اعتقاد، یکی از باورهای قدیمی بشر در مورد درخت است که می‌تواند نشان‌دهنده یکی از مراحل رشد باورهای دینی انسان بدوی به‌شمار رود (فریزر، ۱۳۸۲: ۱۶۴).

این قصه بیانگر برخی دیگر از کارکردهای درخت کنار در فرهنگ عامیانه مانند حمایتگری و محافظت به‌عنوان سرپناه است. در واقع ریشه‌داری، استواری و درعین‌حال انعطاف‌پذیری، جایگاه درخت کنار را در این داستان به‌عنوان نمادی از یک حمایتگر مهربان تقویت می‌کند. مفهوم درخت به‌مثابه منزلگاه ایزدان و پریان و ارواح مردگان در عقاید و سنت‌های ایرانی، در دوره اسلامی توجیه تازه‌ای یافت و به‌سوی این باور رفت که بزرگ‌مردی، امام‌زاده‌ای یا مقدسی در پای آن به خاک سپرده شده است (بهار، ۱۳۸۴: ۴۷)؛ بنابراین اینکه درخت کنار معمولاً در جوار امامزادگان قرار دارد، از این منظر شایسته توجه است.

روایت عامیانه دیگری مرتبط با درخت کنار در جهرم وجود دارد که این حکایت نیز با دانستن درخت کنار به‌عنوان منزلگاه پریان و اجنه مرتبط است. این روایت بیانگر داستان ضرب‌المثل «این یکی از اون یکی بتر!» است. بنا به باورهای عامیانه جهرمی، جن‌ها صاحب خچک یا سم هستند. این روایت می‌گوید شبی عابری از زیر درخت کنار میش‌خسرو عبور می‌کند و می‌بیند شمع روشنی بالای درخت کنار می‌بیند. کنجکاو می‌شود و از درخت بالا می‌رود که ببیند چه خبر است. وقتی بالا می‌رود، می‌بیند یکی نشسته پایش سم یا به‌اصطلاح محلی خچک دارد. متوجه می‌شود این جن است و می‌ترسد و سریع از درخت پایین می‌آید و در راه، شخص دیگری را می‌بیند که به‌سمت کنار می‌رود. به او می‌گوید از این طرف نرو که یکی بر درخت نشسته بود و سم داشت. آن فرد نیز پاچه شلوارش را بالا می‌کشد و کفشش را بیرون می‌آورد و می‌گوید: خچکش اینقدر بود؟! عابر می‌ترسد و دوباره به شخص دیگری در مسیر برخورد می‌کند و ماقع را برای وی تعریف می‌کند. آن فرد نیز دوباره پاچه شلوارش را بالا می‌زند و می‌گوید: خچکش اینقدر بود؟! این اتفاق سه بار در مواجهه با فرد جدیدی برای عابر تکرار می‌شود. اینجا است که عابر متحیر و مستأصل می‌گوید: این یکی از اون یکی بتر! می‌بینیم که این روایت نیز به باور عامیانه‌ای که شاخه‌های درخت کنار را محل زندگی جنیان می‌داند، مرتبط است.

نتیجه‌گیری

در فرهنگ فارس در میان ویژگی‌های درخت کنار دو مؤلفه پوشش‌حمایتی و امنیت‌بخشی و تداعی آن با فراوانی و برکت و باروری، تعیین‌کننده و بیانگر نقش آن در این جوامع است. درخت کنار ویژگی‌های نمادین مختلفی مانند تناوری، تقدس، جاودانگی، نیرو، بقا، زایش و

باروری، ریشه‌داری، شرافت و بلندی مرتبه و... دارد، اما در فرهنگ عامیانه فارس بیشتر تقدس، حمایت و امنیت‌بخشی و بقا و برکت بیش از همه به چشم می‌آید و علاوه بر میوه خوراکی آن، نماد زایش و باروری نیز است که این کارکردها ریشه در اساطیر دارند. درخت کنار به علت ویژگی‌های مختلفش در آداب و رسوم مردم جهرم از تولد، ازدواج و مرگ، به عنوان عنصر اصلی شست‌وشو نقش دارد. همچنین آیین شب برات که با روشن کردن شمع و چراغ و پخش شیرینی در شب سیزدهم تا پانزدهم ماه‌های باستانی برگزار می‌شده، با جشن نیمه شعبان ترکیب شده است و درخت کنار دیرسالی را هر سال چراغانی و در آن شب نقل و شیرینی پخش می‌کنند. به نظر می‌رسد علت چراغانی کردن این کنار، برداشتی عامیانه از حدیثی از پیامبر است که می‌فرماید: مرگ و تقدیر افراد در شب پانزدهم شعبان مشخص می‌شود. عوام معتقدند نام تمام افراد بشر روی برگ‌های درخت بهشتی سدره‌المنتهی نوشته شده و اگر این برگ بیفتد، آن شخص قطعاً فوت خواهد شد. تعیین تقدیر از روی درخت کنار در نیمه شعبان، از دیگر کارکردهای انسان‌شناختی این درخت است.

در فرهنگ باورهای عامیانه مردم فارس و جهرم نیز این درخت نقش پررنگی دارد که به ادبیات عامیانه این مناطق نیز راه یافته است و در ضرب‌المثل‌ها، داستان‌های محلی و زبان‌دهای این منطقه به وضوح دیده می‌شود. محل اجتماع گنجشکان دو درخت کهنسال جهرم معرفی شد که بیانگر نقش حمایتی آن به عنوان پناهگاه امن موجودات بود. همچنین علت دیرسالی درخت کنار، نوشیدن آب حیات اسکندر دانسته شد و در داستان‌های کهن‌تر هم درخت کنار علاوه بر آنکه در باروری و زایش نقش دارد، هنگام خطر به عنوان سرپناه و حمایتگر نیز ظاهر می‌شود. اغلب باورهای عامیانه و نقشی که از کنار در ادبیات محلی اعم از شعر و داستان مناطق فارس روایت می‌شود، بیشتر به جنبه اساطیری و وجوه نمادین این درخت به عنوان ایزد گیاهی یا درخت زندگی مرتبط است و در مواقعی نیز از رویدادهای تاریخی مانند جنگ‌ها الهام گرفته شد. نکته قابل تأمل اینکه با توجه به وجه تسمیه کنار در ادبیات پهلوی به معنای مرز، علاوه بر اینکه از این درخت به دلیل دیرسالی به عنوان تعیین مرز استفاده شد و دارای نام بود، گاهی نیز این درخت وجه انسانی می‌یافت و در مجاورت آن، متوفیان یا گنج‌ها را به خاک می‌سپردند تا علاوه بر اینکه این درخت نشانگر و راهنمای محل باشد، به نوعی از آن نیز حفاظت و نگهداری کند. شانزده درختان کنار کهنسال داخل شهر جهرم دارای نام هستند.

منابع

- اخوان، مرتضی (۱۳۷۳). *آداب و سنن اجتماعی فین کاشان*. کاشان: مرتضی اخوان.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمان محمد (۱۴۱۹ ق). *تفسیر القرآن العظیم*. به کوشش اسعد محمدطیب. بیروت: المكتبة العصرية.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴ ق). *من لایحضره الفقیه*. به کوشش علی اکبر غفاری. تهران: مکتبه الصدوق.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۷). *اقبال الاعمال*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- اسفندیاری جهرمی، محمد (۱۳۹۳). *داستان‌های محلی جهرم*. چاپ دوم. شیراز: ادیب مصطفوی.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۲). *رساله در تاریخ ادیان*. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.
- انجوی شیرازی، ابوالقاسم (۱۳۷۹). *جشن‌ها و آداب و معتقدات زمستان*. تهران: امیرکبیر.
- بهار، محمدتقی (۱۳۳۴). *تاریخ تطور شعر فارسی (با حواشی و توضیحات و فهرست‌های لازم)*. تحشیه تقی بینش. مشهد: کتابفروشی باستان رضوی.
- بهار، مهرداد (۱۳۸۴). *از اسطوره تا تاریخ*. تهران: چشمه.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۶۲). *التفهیم الاوائل صناعة التنجیم*. تصحیح جلال‌الدین همایی. تهران: همایی.
- _____ (۱۳۸۶). *آثار الباقیه و قرون الخالیه*. به تصحیح اکبر داناسرشت. چاپ پنجم. تهران: امیرکبیر.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۴). «بازخوانی مفهوم سدره‌المنتهی با رویکرد گفتمانی». *مطالعات تاریخی قرآن و حدیث*، ۲۱ (۵۸)، ۴۶-۷.
- تفلیسی، حبیب بن ابراهیم (۱۳۶۸). *کلیات تعبیر خواب*. با همکاری خ قنبری. تهران: افشار.
- دوبوکور، مونیک (۱۳۶۰). *رمزهای زنده جان*. ترجمه جلال ستاری. تهران: مرکز.
- حاتمی، حسن (۱۳۸۵). *باورها و رفتارهای گذشته مردم کازرون*. شیراز: ایلاف.
- حکیم مؤمن، محمد (۱۳۶۰). *تحفه حکیم مؤمن*. با مقدمه میرسیداحمد روضاتی. بی‌جا: کتابفروشی محمودی.
- خیراندیش، محمدحسین (۱۳۸۴). *سیرجان در خشت خام*. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغتنامه*. ۱۵ جلد. زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی. چاپ دوم از دوره جدید. تهران: مؤسسه لغتنامه دهخدا.
- رازی، ابوالفتوح (۱۳۶۸). *روض الجنان و روح الجنان*. ۲۰ جلد. تصحیح دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح. تهران: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- رامپوری، غیاث‌الدین (۱۳۲۷). *غیاث‌اللغات*. ۲ جلد. به کوشش دکتر محمد دبیرسیاقی. تهران: کانون معرفت.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۵). *پیکرگردانی در اساطیر*. تهران: سمت.

- زمردی، حمیرا (۱۳۸۷). *نمادها و رمزهای گیاهی در ادبیات فارسی*. تهران: زوار.
- ذوالفقاری، حسن و شیرینی، علی‌اکبر (۱۳۹۴). *باورهای عامیانه مردم ایران*. تهران: چشمه.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۴۰۴ ق). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*. ۶ جلد. قم: مکتبه آیة‌الله العظمی المرعشی النجفی.
- شوالیه و گریبان (۱۳۸۲). *فرهنگ نمادها*. چهار جلد. ترجمه سودابه فضایی. تهران: جیحون.
- صدقه، جان (۱۳۷۸). «درخت در اساطیر کهن». ترجمه محمدرضا ترکی، *مجله شعر*، ۲۶، ۱۴۰-۱۴۵.
- صنعانی، عبدالرزاق بن حمام (۱۴۱۰ ق). *تفسیر قرآن*. به کوشش مصطفی مسلم محمد. ریاض: مکتبه الرشده.
- عقیلی، عبدالرسول (۱۳۹۳). *با نسیم تارونه؛ هم‌صدا با لهجه زیبای جهرم*. تنظیم‌کننده: منصوره رنجبر. آوانگاری و ویراستاری حامد رحمانیان. جهرم: بونیز.
- غزالی، ابوحامد (۱۳۸۰). *کیمیای سعادت*. به تصحیح حسین خدیوچم. ۲ جلد. تهران: علمی و فرهنگی.
- غنی‌نژاد، افسانه (۱۳۷۹). «افسانه است و افسون». *کتاب ماه هنر و اسطوره*، ۲۷ و ۲۸، ۴۶.
- فرزین‌نیا، صمد (۱۳۹۰). *فرهنگ فارسی جهرمی*. شیراز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز.
- فاروقی، عمر (بی‌تا). *فرهنگ مردم سقز*. سقز: اداره فرهنگ و هنر سقز.
- فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان (۱۳۹۵). دفتر سیزدهم. گروه واژه‌گزینی پژوهشکده مطالعات واژه‌گزینی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- فریزر، جیمز (۱۳۸۲). *شاخه زرین*. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: آگاه.
- قمی، عباس (۱۳۸۴). *مفاتیح الجنان*. تهران: بی‌نا.
- گدار، آنتونی (۱۳۵۸). *آثار ایران*. ترجمه رشید یاسمی. تهران: بی‌نا.
- مهرارز، رحمت‌الله (۱۳۵۵). *آرمان‌های انسانی در فرهنگ و هنر ایران*. تهران: دانشگاه ملی ایران.
- میبدی، ابوالفضل رشیدالدین (۱۳۸۲). *کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار*. به اهتمام علی‌اصغر حکمت. تهران: امیرکبیر.
- وارنر، رکس (۱۳۸۹). *دانشنامه اساطیر جهان*. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران: اسطوره.
- وطن‌پور، آزاده و نمیرانیان، کتایون (۱۳۹۱). «ریخت‌شناسی و تحلیل اسطوره‌ای قصه عامیانه دختر و درخت کنار». *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، ۲(۱)، ۱۶۷-۱۸۷.
- یوسفیان کناری، محمدجعفر و طاووسی، محمد (۱۳۸۸). «کاوشی نوین در سرچشمه‌های نخستین حماسه گیل‌گمش». *متن‌شناسی ادب فارسی*، ۴، ۱۸-۱.

Anderson, G. (2000). *Fairytales in the Ancient World*. London: Routledge.

Dafni, A., Levy, S., & Lev, E. (2005). The ethnobotany of Christ's Thorn Jujube (*Ziziphus spina-christi*) in Israel. *Journal of Ethnobiology and Ethnomedicine*, 1(1), 1-11.

Rawlinson, G. (Ed.). (1859). *The History of Herodotus: A New English Version* (Vol. 1). D. Appleton.